روزنه

محسن آرمین:

بحران یمن برنده ندارد

● محسن آرمین، فعال سیاسی و پژوهشگر اصلاح‌طلب، روز گذشته در گفت‌وگویی تفصیلی با پایگاه اطلاع‌رسانی «ندا» به بیان تحلیل خود از تحولات اخیر منطقه پرداخته و ضمن قابل‌پیش‌بینی‌دانستن حمله نظامی عربستان به یمن، هشدار داده که در سیاست خارجی نباید به‌گونه‌ای رفتار کنیم که باعث اتحاد همسایگانمان علیه ایران شویم. گزیده‌ای از این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید:

چرا عربستان، به‌صورت ناگهانی به یمن حمله کرد؟

اقدام نظامی عربستان علیه یمن اساسا اقدامی غیرقابل‌پیش‌بینی نبود. عربستان در سال‌های اخیر نظیر این اقدام را در بحرین انجام داده بود. از نظر تاریخی نیز عربستان سابقه دخالت نظامی در یمن را دارد. این کشور در سال ۱۹۹۴ در جنگ میان دو یمن، از یمن‌جنوبی به رهبری علی سالم البیض حمایت کرد. اصولا تاریخ معاصر دو کشور شاهد درگیری‌ها و منازعات نظامی فراوانی بوده است. علت این درگیری‌ها، گاه اختلافات دیرپا و مستمر سرزمینی میان دو کشور بوده که تاکنون نیز ادامه دارد و گاه تهدیدهای امنیتی نظیر شکل‌گیری حکومت سوسیالیستی یمن‌جنوبی یا اعلام نظام جمهوری در دوره عبدالله سلال در یمن‌شمالی به پایتختی صنعا بوده است. با توجه به چنین سابقه‌ای احتمال حمله نظامی عربستان به یمن در پی تحولات اخیر و به‌قدرت‌رسیدن حوثی‌های زیدی کاملا قابل‌پیش‌بینی بود. به‌هرحال عربستان‌سعودی که نسبت‌به یمن ادعای سرزمینی دارد و یمن را حیاط خلوت خود می‌داند، نمی‌تواند نسبت‌به قدرت‌گرفتن یک‌نیروی شیعی زیدی در مرزهای‌جنوبی خود بی‌تفاوت باشد. مسئله اساسا کمک جمهوری‌اسلامی‌ایران به حوثی‌ها نیست. من نمی‌دانم این کمک‌ها به چه میزان و از چه نوع است و آیا اساسا کمکی صورت گرفته یا خیر. می‌توان احتمال قوی داد که ادعای کمک ایران به حوثی‌ها بیشتر یک‌جنگ و پروژه تبلیغاتی سیاسی باشد. اما یک‌چیز مسلم است و آن اینکه از یک‌سو حوثی‌ها شیعه هستند و مانند هر مجموعه شیعی دیگری در منطقه با ایران، به‌عنوان تنها کشور شیعی جهان، احساس سمپاتی و خویشاوندی می‌کنند و در صورت به‌قدرت‌رسیدن با ایران روابط نزدیکی برقرار خواهند کرد و از سوی دیگر عربستان با شیعیان زیدی یمن از زمان امام یحیی در نیمه اول قرن بیستم تاکنون رابطه‌ای تیره داشته است. بنابراین عربستان نمی‌تواند گسترش نفوذ ایران را تا پشت مرزهای جنوبی خود تحمل کند. اگر این واقعیات را که به‌طور بسیار مجمل و فشرده عرض کردم در نظر آوریم، اقدام اخیر نظامی عربستان در یمن امری کاملا قابل‌پیش‌بینی بود.

برخی معتقدند عربستان به دلیل ترس از گسترش نفوذ ایران دست به واکنش عصبی زده است و با این برخورد زودهنگام می‌خواهد جلو تحولات بیشتر را بگیرد.

عربستان و دیگر کشورهای عربی نسبت‌به هلال‌سبز شیعی در منطقه بسیار حساس هستند. طی سال‌های اخیر بر اثر تحولات منطقه در عراق و سوریه این هلال سبز پررنگ‌تر و گسترده‌تر شده است. در عراق شیعیان پس از صدام به قدرت رسیده‌اند و نفوذ نظامی و سیاسی جمهوری‌اسلامی‌ایران در عراق و سوریه به‌شدت افزایش یافته است. در لبنان به‌ویژه پس‌از شکست عملیات نظامی اسرائیل در مقابل حزب‌الله، موقعیت این گروه متحد ایران و در نتیجه نفوذ ایران در این کشور مستحکم شده است. روند تحول پرونده هسته‌ای ایران براثر ابتکارعمل دولت آقای روحانی و نیز آقای اوباما از یک بحران و تهدید بالفعل علیه ایران به مذاکرات میان ایران و ۱+۵ به سمت حل این بحران و به‌رسمیت‌شناختن حق ایران در برخورداری از فناوری هسته‌ای و در نتیجه به‌رسمیت‌شناختن ایران به‌عنوان یک‌قدرت صاحب فناوری هسته‌ای پیش می‌رود. حل این بحران و رفع تحریم‌ها و همکاری‌های اقتصادی با اروپا به افزایش قدرت و نفوذ ایران در منطقه خواهد انجامید. این تحولات، عربستان و دیگر کشورهای عربی را سخت نگران کرده است. با قدرت‌گرفتن حوثی‌ها در یمن این هلال سبز از یمن تا سوریه امتداد خواهد یافت. با توجه به توضیحات فوق، اقدام نظامی عربستان با همراهی کشورهای عربی را باید یک اقدام شتابزده و منفعلانه و البته از سر ناچاری و اضطرار ارزیابی کرد. البته عربستان و کشورهای عربی در این اقدام نیم‌نگاهی هم به مذاکرات هسته‌ای داشته‌اند با این هدف که این اقدام مذاکرات را تحت‌الشعاع قرار دهد. فراموش نکنیم که نتانیاهو طی ماه‌های اخیر که مذاکرات ایران و ۱+۵ جدی شد، همواره بر این نکته تاکید کرده و می‌کند که توافق هسته‌ای با ایران و برداشته‌شدن تیغ تحریم‌ها از گلوی ایران موجب قدرت‌گرفتن بیشتر ایران در منطقه خواهد شد. این استدلال نتانیاهو در آمریکا و به‌ویژه در میان جمهوری‌خواهان و نیز در میان دولتمردان اروپایی از جمله دولت سوسیالیست فرانسه که گرایش زیادی به اسرائیل دارد گوش‌های شنوای زیادی می‌یابد. در نتیجه سران ۱+۵ را در مذاکره و توافق هسته‌ای با ایران تحت فشار قرار می‌دهد. در چنین فضایی و در حالی که مذاکرات هسته‌ای به مراحل نهایی رسیده است، اقدام مشترک نظامی عرب‌ها علیه یمن به بهانه حضور نظامی جمهوری‌اسلامی‌ایران در یمن می‌توانست این فایده را نیز داشته باشد که به تقویت موضع اسرائیل و مخالفان آمریکایی و اروپایی مذاکرات هسته‌ای بینجامد و فشار را بر دولت‌های ۱+۵ برای پایان‌دادن به مذاکرات هسته‌ای افزایش دهد که البته این اتفاق نیفتاد.

ادامه در صفحه ۱۹

رئیس‌جمهوری آمریکا:

توافق با ایران فرصتی است که تنها یک بار پیش می‌آید

ترجمه: نزهت امیرآبادیان . نوژن اعتضادالسلطنه

در سپتامبر سال ۱۹۹۶ من به ایران سفر کردم. یکی از به‌یادماندنی‌ترین خاطرات من از آن سفر این بود که بالای در لابی هتل، تابلویی بود که روی آن نوشته بود «مرگ بر آمریکا». اما این تابلو یک بنر یا نقاشی دیواری نبود بلکه روی دیوار گچ‌کاری و کاشی‌کاری شده بود. من با خودم فکر کردم: «وای! این تابلو روی دیوار با کاشی و گچ چسبیده و به‌سادگی قابل برداشتن نیست.» نزدیک به ۲۰ سال بعد، [دستیابی به] پیش‌نویس یک توافق میان دولت اوباما و ایران، می‌تواند بهترین فرصت برای تغییر این تابلوها و فارغ‌شدن از جنگ سرد/ گرم میان ایران و آمریکا باشد که به مدت ۳۶ سال منطقه را آشفته کرده بود. اما این موقعیت، مملو از خطرات واقعی برای آمریکا، اسرائیل و متحدان عرب سنی آمریکاست: اینکه ایران تبدیل به یک قدرت هسته‌ای شود.

بعدازظهر روز شنبه، رئیس‌جمهوری، باراک اوباما مرا به دفتر کار بیضی‌شکل خود دعوت کرد تا تلاش‌های خود را برای رسیدن به تعادل میان این خطرات و فرصت‌ها را براساس چارچوب تفاهم هفته گذشته در لوزان با ایران دقیقا توضیح دهد. چیزی که من تمایل دارم آن را «دکترین اوباما» بنامم. این تمایل هنگامی ایجاد شد که من در مورد شباهت سیاست‌های آمریکا در ایران، برمه و کوبا پرسیدم. اوباما گفت که از نظر او آمیزه‌ای از «تعامل» و «گفت‌وگو» هسته مرکزی نیازهای راهبردی است که می‌تواند منافع آمریکا را به مراتب بهتر از تحریم‌های بی‌پایان و انزوا تامین کند. او افزود که آمریکا با قدرت زیاد خود نیازمند اعتمادبه‌نفس برای محاسبه برخی خطرات و ایجاد فرصت‌های مهم و جدید است؛ مانند تلاشی که برای تعامل دیپلماتیک با ایران انجام شد...

رئیس‌جمهوری گفت: «ما به اندازه کافی قدرتمند هستیم که بتوانیم بدون آنکه خود را در معرض خطر قرار دهیم این امکان را بررسی کنیم.» و این چیزی است که به نظر می‌رسد مردم درک نمی‌کنند. رئیس‌جمهور گفت: شما کشوری مانند کوبا را در نظر بگیرید. برای ما آزمایش امکان اینکه تعامل به نتایج بهتری برای مردم کوبا منجر خواهد شد، خطر زیادی نداشت. کوبا کشور کوچکی است که منافع امنیتی مهم ما را تهدید نمی‌کند. بنابراین دلیلی وجود نداشت که ما این امکان را بررسی نکنیم و اگر به این نتیجه برسیم که تغییر روابط به نتایج بهتر منجر نمی‌شود، می‌توانیم مجددا سیاست‌های خود را تنظیم کنیم. این مسئله در مورد ایران نیز صادق است، با این تفاوت که ایران یک کشور بزرگ و خطرناک است. اما حقیقت امر این است که بودجه دفاعی ایران با بودجه دفاعی ما قابل مقایسه نیست. اگر بخواهید بدانید دکترین اوباما چیست؟ این است: ما درگیر خواهیم شد، اما تمام توانایی‌های خود را حفظ می‌کنیم.

این تصور که ایران تغییرناپذیر است به این سادگی نیست. ما می‌توانیم بگوییم بیایید امتحان کنیم. متوجه باشیم که ما می‌توانیم تمام گزینه‌ها را حفظ کنیم. ما بی‌تجربه نیستیم، اما اگر ما بتوانیم این مسائل را از طریق دیپلماتیک حل‌وفصل کنیم، بسیار بی‌خطرتر است و ما را در موقعیت بهتری برای حفظ متحدانمان قرار می‌دهد و چه کسی می‌داند؟ ممکن است ایران تغییر کند و اگر تغییر نکند، ما قابلیت‌های بازدارندگی داریم؛ برتری نظامی ما به قوت خود باقی است. ما از ظرفیت‌های خود و متحدانمان چشم‌پوشی نمی‌کنیم. دراین‌صورت چرا ما نباید این امکان را تست کنیم؟

او گفت بدیهی است، اسرائیل در یک وضعیت متفاوت است. من موقعیت و نگرانی‌های اسرائیل را درک می‌کنم، اما من به مردم اسرائیل می‌گویم... برای جلوگیری از دستیابی ایران به یک سلاح اتمی هیچ فرمول و گزینه‌ای، مؤثرتر از ابتکارعمل و چارچوب دیپلماتیکی که ما پیشنهاد کرده‌ایم، وجود ندارد و می‌توان این را نشان داد. اوباما گفت مذاکرات جاری با ایران در قالب ۱+۵، فرصتی است که یک‌بار دست می‌دهد.

اوباما با اشاره به تنظیم توافق جامع با ایران در سه‌ماه آینده، گفت کار ما تمام نشده، جزئیات زیادی هست که باید حل شود. این فرآیند با دشواری‌های سیاسی زیادی در ایران و آمریکا همراه خواهد بود. او گفت شکی نیست که بی‌اعتمادی عمیقی میان ایران و آمریکا وجود دارد و فعالیت‌های حکومت ایران مایه نگرانی عمیق اوست و در ادامه افزود: اما ما همچنین شاهد یک رگه عمل‌گرایی در حکومت ایران بوده‌ایم... به نظرم آنها تا حدودی به افکارعمومی خود واکنش نشان می‌دهند. وی انتخاب حسن روحانی را نشانه‌ای بر این ادعا دانست.

با توجه به اینکه رهبر [عالی]، تصمیم‌گیرنده نهایی در ایران است، آیا ایران به جلو حرکت می‌کند؟ شما در مورد او چه آموخته‌اید؟

درک او مشکل است. من مستقیما با او حرف نزده‌ام. در نامه‌هایی که او می‌فرستد، معمولا اشاره زیادی به آنچه او دادخواهی‌های گذشته علیه کشورش می‌داند، هست، اما به نظر من آنچه خیلی گویاست این است که او در این مذاکرات به مذاکره‌کنندگانش آزادی عمل داد، این اختیار را داد و امکان به‌ثمررسیدن این چارچوب توافق را فراهم کرد. بنابراین برداشت من این است که او عمیقا به غرب بدبین است... در باره دغدغه‌های اسرائیل آنچه من باید به آنان بگویم این است: شما کاملا حق دارید درباره ایران نگران باشید. ایران دارای حکومتی است که مقاماتش در بالاترین سطوح از تمایل خود برای نابودی رژیم اسرائیل گفته‌اند... . ایران کشوری بزرگ با جمعیتی زیاد و با ارتشی مجهز است. در نتیجه رژیم اسرائیل حق دارد درباره ایران نگرانی داشته باشد و آنان باید کاملا نگران دستیابی احتمالی ایران به سلاح هسته‌ای باشند. بااین‌حال، من تاکید می‌کنم چارچوب ابتکار عمل تعیین‌شده درصورتی که بتواند اجرا شود می‌تواند دغدغه‌های استراتژیک اسرائیلی‌ها را نیز برطرف کند و برای آنان مفیدتر باشد و هزینه کمتری در مقایسه با سایر روش‌ها برای آنان داشته باشد. ما می‌دانیم یک اقدام نظامی یا مجموعه‌ای از حملات نظامی می‌تواند برنامه هسته‌ای ایران را برای مدت زمانی به تعویق اندازد، بااین‌حال این موضوع سبب خواهد شد تا ایران با عجله به سوی ساخت یک بمب گام بردارد. این بهانه‌ای برای تندروها در داخل ایران خواهد بود که بگویند: «زمانی که شما بمب اتمی نداشته باشید این آن چیزی است که اتفاق می‌افتد، آمریکا به شما حمله می‌کند.»

ما می‌دانیم در صورتی که به‌غیراز حفظ تحریم‌ها کار دیگری نمی‌کردیم، ایران به توسعه زیرساخت هسته‌ای خود ادامه می‌داد و در نتیجه آن دید محدودتری نسبت به رویدادها می‌داشتیم که این موقعیت مطلوبی نبود. در یک دنیای کامل، ایران می‌گفت ما هیچ‌گونه تاسیسات هسته‌ای نداریم، بااین‌حال ما می‌دانیم این موضوع تبدیل به یک مسئله مرتبط با غرور و ملی‌گرایی برای ایران شده است. حتی آنانی که ما آنها را میانه‌رو و اصلاح‌طلب قلمداد می‌کنیم نیز از برنامه هسته‌ای در داخل ایران حمایت می‌کنند و به‌طور کامل تسلیم نخواهند شد. میانه‌روها هم نمی‌توانند ببینند کاری انجام شود که خواسته‌های «نتانیاهو» برآورده شود. هیچ رهبر ایرانی‌ای چنین اقدامی انجام نخواهد داد. واقعیت دیگر آن است که ایران کشوری است که هشت‌سال جنگید و بیش از یک‌میلیون‌نفر از شهروندان آن جان خود را از دست دادند. به نظر من آنان نشان داده‌اند زمانی که احساس کنند غرور یا بقای ملی‌شان به خطر افتاده آماده تحمل سختی‌ها خواهند بود.

برای همین ما گزینه‌ها را ارزیابی کردیم و به خود گفتیم: «شما می‌دانید در صورتی که بتوان بازرسی‌های سخت‌گیرانه و بی‌سابقه انجام داد، تکمیل زنجیره هسته‌ای آنان تا ۲۰ سال به طول می‌انجامد و برای ۱۰ سال نخست برنامه آنان متوقف نمی‌شود، بلکه به میزان موثری و در سطح گسترده به عقب رانده خواهد شد و ما می‌دانیم در صورتی که آنان بخواهند تقلبی احتمالی را مرتکب شوند ما دست‌کم یک‌سال زمان داریم تا این موضوع را تشخیص دهیم، دقیقا سه‌برابر بیش از زمانی که اکنون در اختیار داریم. در این مدت‌زمان می‌توانیم برنامه‌های آنان را مورد نظارت و بررسی قرار دهیم، امکانی که در گذشته هرگز وجود نداشت. در نتیجه، این تصور که اکنون زمان معامله نیست و این موضوع در راستای منافع رژیم اسرائیل نیست به‌سادگی ردشدنی است و نادرستی آن آشکار است.

صحبت‌های آشکاری در داخل ایران در این‌باره مطرح می‌شود که آیا مذاکرات هسته‌ای در چارچوب فعلی به‌نفع آنان است یا خیر. رئیس‌جمهوری برای مردم ایران چه سخنی دارند تا آنان را متقاعد کنند که توافق در راستای منافع آنان است؟

... این یک انتخاب ساده برای آنان است. ایران برای قدرتمندبودن در منطقه نیازی به سلاح‌های هسته‌ای ندارد. آنچه من به مردم ایران می‌گویم این است: ... در صورتی که [ایران] نیروی نظامی‌اش را به قدر کفایت و برای دفاع از خود حفظ کند و در صورتی که نخواهد درگیر یک جنگ تمام‌عیار نیابتی در منطقه شود، به‌دلیل ابعاد وسیع خود و منابع انسانی‌ای که در اختیار دارد می‌تواند قدرت بسیار موفق منطقه‌ای باشد. من امیدوارم که مردم ایران این موضوع را به‌رسمیت بشناسند. بخشی از روانشناسی شکل‌گرفته ایران ریشه در تجربیات گذشته دارد. آنان این احساس را دارند که از سوی آمریکا یا سایر کشورهای غربی مورد تهاجم قرار گرفته‌اند چراکه نخستین دولت دموکراتیکشان با مداخله غرب سرنگون شد و پس از آن حمایت از شاه و سپس حمایت از عراق و صدام در جریان جنگ وحشیانه علیه ایران خاطره خوبی را در ذهنشان برجا نگذاشته است. با توجه به این موضوع من به اعضای تیم خود گفته‌ام که ما باید میان انگیزه‌های ایدئولوژیک و تهاجمی ایران و انگیزه‌های تدافعی آن کشور که بیشتر واکنشی بوده تمایز قایل شویم چراکه آنان فکر می‌کنند تنها راه جلوگیری از تکرار گذشته مسیر کنونی است... بااین‌حال، در صورتی که ایرانیان به این نتیجه برسند که ایجاد شغل و فعالیت روی فناوری و علوم مختلف اولویت دارد و نه نگاه‌کردن از دریچه ماشین‌های نظامی، آن زمان است که کشور قوی‌تر خواهد شد... من تاکید می‌کنم که توافق هسته‌ای مبتنی‌بر این ایده نیست که ما قصد تغییر رژیم در ایران را داریم. این توافقی خوب است حتی اگر ایران به‌طور کامل تغییر نکند. حتی برای آن گروهی که اعتقاد دارند تفاوتی میان [سران] ایران وجود ندارد از جمله برای نتانیاهو که چنین نظری را دارد... من هنوز هم می‌گویم که توافق هسته‌ای بهترین گزینه برای ما برای محافظت از خودمان است. درواقع، در صورتی که شما بگویید آنان کاملا مخالف ما هستند دلایل زیادی برای ما وجود دارد که به توافق هسته‌ای با آنان رضایت دهیم چراکه در طولانی‌مدت این موضوع سبب خواهد شد تا بتوانیم از دستیابی آنان به یک بمب هسته‌ای جلوگیری کنیم.

چند نکته بسیار حساس در چارچوب توافق وجود دارد که برای من مبهم هستند و برای توضیح درباره آنها از شما سوال می‌پرسم. برای مثال، در صورتی که ما درباره احتمال تقلب ایران تردید داریم، آیا چارچوب کنونی باعث نخواهد شد که برنامه هسته‌ای پنهانی ایران که خارج از تاسیسات هسته‌ای ذکرشده در این توافق باشد به کار خود ادامه دهد برای مثال، وجود یک تاسیسات نظامی در جنوب‌شرقی ایران. آیا ما این حق را داریم که تاکید کنیم خواستار بازرسی بازرسان بین‌المللی از آن تاسیسات هستیم؟

در مورد موضوع اول، توافق ما را قادر خواهد کرد که به بازرسی و بررسی آنچه در کل زنجیره هسته‌ای ایران از معادن اورانیوم گرفته تا تجهیزات نهایی تاسیساتی مانند نطنز بپردازیم. این بدان معناست که ما فقط با جمعیتی از بازرسان مواجه نخواهیم بود که به دو یا سه یا پنج تاسیسات سر خواهند زد.

ادامه در صفحه ۷

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir

پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● ترانس برق در روستای تنباکوکار، در بخش مرغا از توابع شهرستان ایذه، در شب عید به‌علت بارندگی شدید سوخت و ما از شب اول سال تاکنون برق نداریم. به اداره برق ایذه مراجعه کردیم، می‌گویند ترانس نداریم اگر این اتفاق در یکی از مناطق داخل شهر می‌افتاد آیا بعد از ۱۷روز جواب می‌دادند ترانس نداریم!

● **باغبان یا هنرمند:** برخی افراد خوش‌سلیقه در کار باغبانی تبحر دارند، اما چون سرمایه‌ای از خود ندارند، گمنام و بی‌هویت باقی مانده‌اند. به‌عنوان نمونه یکشنبه ۱۶فروردین‌ماه، از بزرگراه آهنگ به خیابان مخبرشمالی، مقابل کوچه بهارستان، قنادی جنت می‌رفتم، باغبانی در باغچه مقابل قنادی درحال کاشت گل‌وگیاه بود. دقایقی مقابل باغچه ایستادم و مشغول تماشای دستان هنرمند این باغبان که خود را محمد، معرفی کرد، شدم. واقعا از کارش و تبحری که در این زمینه داشت لذت بردم. رهگذران هم برای تماشای باغچه می‌ایستادند و با وی و درباره کارش گفت‌وگو می‌کردند. ای‌کاش این‌گونه باغبان‌ها که کارگرانی زحمتکش و هنرمندانی گمنام هستند، ازسوی مسئولان موردتوجه و حمایت قرار می‌گرفتند. جا دارد از این کاسب محل که برای آراستگی و پیشگیری از آلودگی هوا، با هزینه شخصی این‌کار جالب را انجام داده است، قدردانی کنیم.

علی‌اکبر فرقانی از تهران

● متأسفانه روزنامه «شرق» روزی یک‌نسخه به سرپل ذهاب می‌فرستد و اصلا جوابگوی خوانندگان نیست. لطفا پیگیری کنید.

مرادی

● **وام که نمی‌دهند لااقل...** بسیاری از بانک‌ها عضو شبکه شتاب هستند، ولی بانک کوثر هنوز به این سیستم متصل نشده است. ازاین‌رو ضرورت دارد مسئولان بانک کوثر برای رفع مشکل چاره‌ای بیندیشند.

دانیال شربتی از تهران

● **مردم زیر آوار گرانی:** با ۵۱۶تومان و ۶۵۰تومان گرانی را بر مردم تحمیل می‌کنند تا کسی سکته نکند. چرا کرایه‌های اتوبوس‌های برخی مسیرهای شرکت واحد با ارائه کارت الکترونیک، ۵۱۶تومان و نقدی آن ۶۵۰تومان تعیین شده است و چرا کرایه‌ها رُند نیست؟

یک مخاطب